

## پیشگفتار

در فاصله انقراض مغولان تا حمله تیمور کورکان به ایران که به دوران فترت معروف شده است، سرزمین ما دچار نحولات و اغتشاشات و هرج و مرجهای فراوان بود. در این دوره سلسله‌های کوچک و بزرگ و امرای محلی در سراسر ایران که هیچ‌گونه خط سرحدی روشنی آنها را از یکدیگر جدا نمی‌کرد، به جنگ و ستیز با همدیگر مشغول بودند. بر اثر همین نزاعها و کشمکشها و جنگهای دائمی که میان حکومتهای متداخل آن زمان جریان داشت، مردم کشورمان تحمل خود را در مقابل خرابی و بدبختی و قحط و غلا از دست داده، از خداوند به ناله و الحاح می‌خواستند که صاحب قدرتی بیاید و به این بی‌سرو سامانیها و نزاعها پایان دهد؛ تا جایی که بزرگ‌مردی چون خواجه شمس‌الدین حاغظ شیرازی وقتی از قدرت یافتن تیمور در ماوراءالنهر اطلاع حاصل می‌کند آمدن او را آرزو نموده، به زبان حال می‌گوید:

آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست  
عالمی دیگر نباید ساخت و از نو آدمی  
خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم  
کز نسیمش بوی جوی مولیان آید همی

سرانجام تیمور از آن سوی آمودریا به ایران آمد و تمامی سلسله‌های کوچک و بزرگ را از بین برد و بر سراسر ایران مسلط شد. هجوم تیمور نیز همانند چنگیز با سوختنها و کشتنها و ویرانیها توأم بود اما طولی نکشید که تا اندازه‌ای خود او و بخصوص جانشینانش در برابر عظمت فرهنگ و تمدن این سرزمین سر تعظیم و تسلیم فرود آوردند و آنگاه شکوفایی مجدد هنرها و دانش و علوم پدیدار گشت.

عصر تیمور بی‌تردید یکی از مهمترین اعصار تاریخ جهان، و عصر جانشینان تیمور بخصوص در ایران را می‌توان یکی از برجسته‌ترین ادوار تاریخ این سرزمین به شمار آورد.

در رن نهم هجری (14 میلادی) علاوه بر ظهور تیموریان و تسلط آنان بر ایران، دو طایفه ترکمن به نامهای قراقویونلوها و آق‌قویونلو نیز در صحنه سیاسی این کشور ظاهر شدند. دوره حاکمیت قراقویونلوها در ایران نسبتاً کوتاه و پر از آشفتگیهای سیاسی بود اما دوران فرمانروایی ترکمانان آق‌قویونلو را می‌توان یکی از درخشانترین دوره‌های کوتاه تاریخ ایران به حساب آورد؛ بیست و پنج سال زمامداری امیرحسن بیک (اوزون حسن) و فرزندش یعقوب، ضامن استقلال بخش بزرگی از خاک ایران و وسیله حفظ فرهنگ و هنر عهد تیموری گردید. در این مدت بسیاری از شهرهای ایران آباد شد، بازرگانی توسعه یافت و ارتش سازمان منظمتری به خود گرفت. از طرف دیگر ایران برای ایجاد رابطه با کشورهای اروپایی گامهای جدیدی برداشت و فعالیتهایی برای اصلاحات ارضی و مالیاتی انجام شد. با همه این احوال پژوهندگان کمتر به شناخت و معرفی کامل اوضاع ایران قرن نهم و دگرگونیهای سیاسی و فرهنگی و اجتماعی این دوره پرداخته‌اند و لیسولاً فرصتی برای روشن نمودن این ناشناخته‌ها نیافته‌اند تا جایی که کتابی بتواند تا حدودی نیاز دانشجویان رشته تاریخ را در دانشگاهها برآورده سازد، در دسترس نیست. این کتاب به صورت کنونی کوششی است برای پاسخگویی نسبی به چنین نیازی

نوشته حاضر نخستین بار به توصیه مسئولان محترم سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) تهیه و تدوین گردید. اما دانشگاه اصفهان زودتر از آن سازمان در سال 1375 به چاپ آن اقدام نمود. این کتاب در واقع چاپ دوم آن اثر همراه با تجدیدنظرها و برخی از اضافات و اصلاح اشتباهات است.

در نوشته حاضر به دلیل تلاش گسترده جهت اختصار مطالب، امکان ارائه همه رهیافتهای جدید کار دشواری بوده و مؤلف اذعان دارد، آنچه در این کتاب فراهم آمده عشر عشر از حوادث این عهد را در بر ندارد و مسلم این است که این مطالعه، بررسیهای بیشتری را برپایه چشم‌اندازی گسترده‌تر می‌طلبد. انتشار این کتاب می‌نواند گام کوچکی در طریق روشن ساختن بخشی از مسائل تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در یکی از پرحادثه‌ترین دوره‌ها باشد. با این امید که پژوهشهای بیشتر در آینده بتواند زوایای مبهم و تاریک این دوره را روشن‌تر سازد.

داوری درباره این کتاب با صاحب‌نظران است؛ همین قدر که هر پژوهنده‌ای در خلال سطور و زوایای فصول آن به نکته‌ای سزاوار توجه و در خور اعتنا دست یابد کوشش ناچیز مؤلف را بهترین پاداش خواهد بود. وظیفه خود می‌داند از مساعدتهای مسئولان محترم سازمان «سمت» و دانشگاه اصفهان و نیز زحمات همکار محترم آقای دکتر سیدعلی اصغر میرباقری‌فرد، نماینده محترم «سمت» در دانشگاه اصفهان و همچنین کوششهای بی‌دریغ سرکار خانم فرزانه صالحی که در ویرایش کتاب نکات محتوایی را نیز متذکر شدند سپاسگزاری نماید.

حسین میرجعفری

اصفهان 1379